سفر عراقچی به چین از تلاش تهران برای فعال‌سازی ظرفیت‌های یک شریک اثرگذار در معادلات امنیتی و اقتصادی منطقه حکایت دارد

نقش پکن در دیپلماسی پساجنگ

گروه سیاسی

ادامه از صفحه اول

باوجود اهمیت انکارناپذیر تنگه هرمز از نظر امنیتی و نظامی، باید دانست اتکای صرف به مزیت‌های ژئوپلیتیکی —از جمله موقعیت مسلط ایران بر تنگه هرمز— گرچه می‌تواند در کوتاه‌مدت به‌عنوان اهرم فشار عمل کند، اما برای تولید بازدارندگی پایدار و مدیریت اقتصادی در یک محیط پرتنش جهانی، کافی نیست. بازدارندگی در قرن بیست‌ویکم، بیش از آنکه محصول کنترل جغرافیا باشد، برآیند شبکه‌ای از وابستگی‌های متقابل اقتصادی، پیوندهای نهادی و ائتلاف‌های چندلایه است. در این میان، چین به‌عنوان دومین اقتصاد جهان و بزرگ‌ترین واردکننده انرژی، واجد ظرفیتی است که می‌تواند این خلأ را برای ایران تا حدی پر کند.

از منظر پکن، جنگ اخیر صرفاً یک درگیری منطقه‌ای نبود بلکه نشانه‌ای از تلاش واشنگتن برای بازتعریف هژمونی خود از طریق کنترل شریان‌های حیاتی انرژی در غرب آسیا تلقی شد. این تحلیل، همسو با نگاه راهبردی شی جین‌پینگ است که نظم جهانی را در حال گذار به‌سوی چندقطبی می‌داند و هرگونه بی‌ثباتی در خلیج فارس را تهدیدی مستقیم علیه امنیت انرژی و رشد اقتصادی چین ارزیابی می‌کند. از همین رو، پکن از نخستین روزهای جنگ، ضمن محکومیت عملیات نظامی، تلاش کرد از طریق ابزارهای دیپلماتیک و نهادی، مانع از گسترش بحران شود.

اما آنچه اهمیت دارد، صرف موضع‌گیری سیاسی چین نیست؛ بلکه نوع «منافع مادی» است که این کشور را به سمت ایفای نقش فعال‌تر در قبال ایران سوق می‌دهد. چین روزانه میلیون‌ها بشکه نفت وارد می‌کند و بخش قابل توجهی از این واردات، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به منطقه خلیج فارس وابسته است. هرگونه اختلال در تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز، نه‌تنها قیمت جهانی انرژی را افزایش می‌دهد، بلکه زنجیره تأمین صنعتی چین را نیز مختل می‌کند. به بیان دقیق‌تر، امنیت انرژی چین به‌طور ساختاری با ثبات ایران و منطقه گره خورده است.

این وابستگی، یک فرصت استراتژیک برای تهران ایجاد می‌کند؛ اما تنها در صورتی که به‌درستی به «وابستگی متقابل» تبدیل شود. تفاوت کلیدی میان «وابستگی یک‌طرفه» و «وابستگی متقابل» در این است که در حالت دوم، هردوطرف هزینه‌های بالایی برای قطع رابطه متحمل می‌شوند و همین امر، به‌طور طبیعی بازدارندگی ایجاد می‌کند. در حال حاضر، بخش مهمی از روابط ایران و چین هنوز در وضعیت نامتقارن قرار دارد؛ چین می‌تواند منابع انرژی خود را متنوع کند، اما ایران در دسترسی به بازارهای جایگزین با محدودیت‌های بیشتری مواجه است. بنابراین، ارتقای این رابطه به سطحی که در آن پکن نیز هزینه‌های ملموسی در صورت بی‌ثباتی ایران متحمل شود، یک ضرورت راهبردی است.

در اینجا، مفهوم بازدارندگی باید بازتعریف شود. بازدارندگی صرفاً به معنای توانایی تهدید نظامی نیست، بلکه شامل «بازدارندگی اقتصادی» و «بازدارندگی نهادی» نیز می‌شود. همکاری با چین می‌تواند هر دو این ابعاد را تقویت کند. در حوزه اقتصادی، اتصال ایران به ابتکاراتی مانند «کمربند و راه» به معنای ادغام در شبکه‌ای از زیرساخت‌ها و زنجیره‌های تأمین است که تخریب آن‌ها برای بازیگران متخاصم، هزینه‌های بین‌المللی بالایی ایجاد می‌کند. در حوزه نهادی، هماهنگی با چین در نهادهایی مانند شورای امنیت، می‌تواند از مشروعیت‌بخشی به اقدامات یک‌جانبه علیه ایران جلوگیری کند.

با این حال، تصور اینکه کنترل یا تهدید به بستن تنگه هرمز به تنهایی می‌تواند چنین سطحی از بازدارندگی را ایجاد کند، تحلیلی ناقص و تا حدی خطرناک است. نخستین مشکل این رویکرد، ماهیت «دوطبه» آن است. بستن یا ناامن‌سازی تنگه، گرچه می‌تواند فشار کوتاه‌مدتی بر بازار جهانی وارد کند، اما در عین حال، منافع شرکای باالقوه ایران —از جمله چین— را نیز به شدت آسیب می‌زند. به بیان دیگر، این ابزار به همان اندازه که علیه رقبا عمل می‌کند، علیه متحدان بالقوه نیز اثرگذار است و همین امر، کارایی آن را در یک راهبرد بلندمدت کاهش می‌دهد.

دومین مسئله، قابلیت جایگزینی نسبی این مسیر است. اگرچه تنگه هرمز یکی از حیاتی‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان است، اما بازیگران بزرگ جهانی در سال‌های اخیر به‌طور جدی به دنبال تنوع‌بخشی به مسیرهای انتقال انرژی بوده‌اند؛ از خطوط لوله زمینی گرفته تا مسیرهای جایگزین دریایی. هرچه تهدید ایران برای بستن تنگه جدی‌تر تلقی شود، انگیزه این بازیگران برای سرمایه‌گذاری در مسیرهای جایگزین افزایش می‌یابد و در بلندمدت، اهمیت ژئوپلیتیکی این اهرم کاهش پیدا می‌کند.

سومین و شاید مهم‌ترین نکته، این است که استفاده از تنگه هرمز به عنوان ابزار فشار، به راحتی می‌تواند بهانه‌ای برای مشروعیت‌بخشی به حضور نظامی گسترده‌تر ایالات متحده آمریکا و متحدانش در منطقه فراهم کند. در چنین سناریویی، آنچه قرار بود به‌عنوان ابزار بازدارندگی عمل کند، عملاً به عاملی برای تشدید محاصره امنیتی ایران تبدیل می‌شود.

در مقابل، راهبرد مبتنی بر تعمیق روابط با چین، ماهیتی متفاوت دارد. این راهبرد به‌جای تمرکز بر «اختلال»، بر «ادغام» تأکید می‌کند. به‌جای آنکه ایران به‌عنوان یک عامل بی‌ثبات‌کننده در بازار انرژی معرفی شود، می‌تواند به‌عنوان یک «تأمین‌کننده قابل اتکا» و «گره حیاتی در زنجیره تأمین جهانی» بازتعریف شود. این تغییر نقش، پیامدهای مهمی برای بازدارندگی دارد؛ زیرا هرگونه اقدام علیه ایران، نه‌تنها به‌عنوان یک اقدام نظامی، بلکه به‌عنوان اختلال در اقتصاد جهانی تلقی خواهد شد.

البته این مسیر نیز بدون چالش نیست. چین، برخلاف برخی تصورات، یک متحد ئولوژیک نیست، بلکه بازیگری کاملاً عمل‌گراست که منافع ملی خود را در اولویت قرار می‌دهد. پکن در عین همکاری با تهران، روابط گسترده‌ای با رقبای منطقه‌ای ایران نیز دارد و تلاش می‌کند توازن خود را حفظ کند. بنابراین، ایران نمی‌تواند صرفاً با اتکا به «ضدیت مشترک با آمریکا»، انتظار یک اتحاد استراتژیک کامل را داشته باشد. آنچه می‌تواند این رابطه را پایدار کند، ایجاد منافع اقتصادی عمیق و غیرقابل جایگزین برای چین در ایران است.

در این چارچوب، سفر عراقچی به پکن را باید تلاشی برای گذار از «همکاری تاکتیکی» به «شراکت ساختاری» دانست. اگر این گذار با موفقیت انجام شود، می‌تواند چند پیامد کلیدی داشته باشد: نخست، افزایش ظرفیت ایران برای دور زدن تحریم‌ها از طریق سازوکارهای مالی و تجاری جایگزین؛ دوم، کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور در برابر شوک‌های خارجی؛ و سوم، تقویت موقعیت ایران در معادلات امنیتی منطقه از طریق پیوند خوردن با منافع یک قدرت بزرگ.

در نهایت، باید تأکید کرد که بازدارندگی مؤثر در دوره پساجنگ، نیازمند ترکیبی از ابزارهاست: توان نظامی، دیپلماسی فعال، و مهم‌تر از همه، «درهم‌تنیدگی اقتصادی». تنگه هرمز می‌تواند بخشی از این معادله باشد، اما به هیچ‌وجه کل آن نیست. آینده بازدارندگی ایران، نه در بستن یک گلوگاه، بلکه در تبدیل شدن به یک «گره غیرقابل حذف» در شبکه اقتصاد و سیاست جهانی تعریف می‌شود؛ جایگاهی که بدون همکاری عمیق و هوشمندانه با قدرتی مانند چین، دست‌یافتنی نخواهد بود.

آتش‌بس فرصتی برای بازنگری در ابزارهای قدرت ملی و بازتعریف ائتلاف‌های استراتژیک است. در این میان، سفر اخیر سیدعباس عراقچی به چین نشان‌دهنده این واقعیت است که تهران برای عبور از بحران‌های پساجنگ، نگاه خود را به طور کامل به سمت شرق و قدرت نوظهور جهانی یعنی چین معطوف کرده است. این رویکرد نه یک انتخاب مقطعی، بلکه یک ضرورت تاریخی برای دستیابی به «بازدارندگی امنیتی پایدار» و «تاب‌آوری اقتصادی» در برابر فشارهای حداکثری است که دیگر تنها با ابزارهای نظامی کلاسیک یا اهرم‌های جغرافیایی چون تنگه هرمز قابل تامین نیست.

برای درک اهمیت نقش چین در این برهه، ابتدا باید ماهیت جنگ ۲۰۲۶ را بازشناسی کرد. این جنگ تلاشی از سوی واشنگتن برای احیای هژمونی رو به زوال خود در قلب انرژی جهان و مهار قدرت‌های نوظهوری بود که نظم تک‌قطبی را به چالش کشیده‌اند. در چنین فضایی، چین به عنوان یکی از دو قدرت بزرگ جهان و شریک راهبردی ایران، به خوبی دریافته است که تضعیف ایران به معنای سقوط دومینوی امنیت در غرب آسیا و اختلال جبران‌ناپذیر در شریان‌های حیاتی اقتصاد این کشور است. چین که بزرگ‌ترین واردکننده نفت در جهان است، حدود یک سوم نیاز انرژی خود را از طریق تنگه هرمز تامین می‌کند و هرگونه آشفتگی در این منطقه، زنجیره تامین صنعتی و رشد اقتصادی پکن را به مخاطره می‌اندازد. همین وابستگی متقابل، پایه اصلی بازدارندگی نوینی است که ایران به دنبال آن است؛ بازدارندگی‌ای که نه بر پایه «تهدید به انسداد»، بلکه بر پایه «تضمین امنیت از طریق مشارکت قدرت‌های بزرگ» بنا شده است.

بسیاری از ناظران داخلی و خارجی همچنان بر این باورند که حاکمیت مطلق ایران بر تنگه هرمز و توانایی بستن این آبراه، بزرگ‌ترین اهرم بازدارندگی کشور است. اما واقعیت‌های جنگ اخیر نشان داد که این مولفه، هرچند حیاتی، اما به تنهایی برای مدیریت اوضاع کلان اقتصادی و تامین امنیت ملی در درازمدت کافی نیست. نخستین دلیل این نارسایی در تغییر تاکتیک‌های دشمن نهفته است. در جنگ ۲۰۲۶، ایالات متحده و اسرائیل فراتر از محدوده تنگه هرمز، به تعرض به کشتیرانی تجاری بین‌المللی در آب‌های آزاد و اقیانوس‌ها روی آوردند و با توقیف نفتکش‌ها و کشتی‌های حامل کالا به مقصد ایران، عملاً ماهیت تجارت آزاد را هدف قرار دادند. وقتی دشمن جنگ را به عرصه‌های دوردست می‌کشاند، تمرکز صرف بر جغرافیای تنگه هرمز نمی‌تواند مانع از خفگی اقتصادی کشور شود. در اینجاست که نقش چین به عنوان یک وزنه سیاسی در شورای امنیت سازمان ملل و یک قدرت اقتصادی که توانایی ایجاد «سنگرهای حقوقی و اقتصادی ضدتجاوز» را دارد، برجسته می‌شود. ایران نیازمند آن است که بازدارندگی خود را از سطح «نظامی-جغرافیایی» به سطح «دیپلماتیک-نهادی» ارتقا دهد تا هرگونه تعرض به کشتی‌هایش، به مثابه تعرض به منافع حیاتی بزرگ‌ترین شریک تجاری‌اش یعنی چین تلقی شود.

دلیل دوم در نارسایی اهرم تنگه هرمز، به هزینه‌های متقارن آن بازمی‌گردد. بستن تنگه هرمز یا ایجاد اختلال شدید در آن، هرچند به غرب آسیب می‌زند، اما بیشترین فشار را بر متحدان راهبردی ایران از جمله چین وارد می‌کند. پکن به شدت از بحران‌های منطقه‌ای آسیب اقتصادی دیده و برای تداوم حیات صنعتی خود به امنیت عبور کشتی‌های نفتی نیاز مبرم دارد. اگر ایران تنها بر اهرم انسداد تکیه کند، عملاً در زمین بازی آمریکا قدم گذاشته است؛ چرا که واشنگتن به دنبال ناامن‌سازی تجارت آزاد برای فشار بر چین و مهار نفوذ اقتصادی پکن است. بنابراین، اعمال حاکمیت بر هرمز باید با دیپلماسی فعال چینی ترکیب شود تا به جای «ابزار تهدید»، به «ابزار مدیریت بحران» تبدیل گردد. چین تمایل دارد آتش‌بس پایدار برقرار شود تا جریان انرژی تضمین گردد و این تمایل، پکن را به یک میانجی بالقوه و موثر میان تهران و واشنگتن تبدیل کرده است، به ویژه در شرایطی که احتمال بازگشت ترامپ به قدرت و سفر او به پکن مطرح است.

تاب‌آوری اقتصادی در دوره پساجنگ، رکن دیگری است که بدون حضور فعال چین دست‌یافتنی نخواهد بود. ایران در شرایطی که تحت فشار حداکثری و پیامدهای مخرب جنگ قرار دارد، از طریق تعمیق روابط با پکن نشان می‌دهد که از نظر دیپلماتیک و اقتصادی منزوی نیست. موافقتنامه شراکت راهبردی ۲۵ ساله میان دو کشور، در این مقطع زمانی باید از قالب یک تفاهم‌نامه کلی خارج شده و به پروژه‌های عملیاتی در حوزه‌های زیرساختی، انرژی و فناوری تبدیل شود. چین به عنوان موتور محرک بلوک‌های قدرتمندی چون بریکس و سازمان همکاری‌های شانگهای، می‌تواند مسیرهای تنفسی جدیدی برای اقتصاد ایران بگشاید که فراتر از نظارت‌های دلاری و تحریم‌های یک‌جانبه غرب باشد. انتظار تهران از پکن در این فاز، فراتر از موضع‌گیری‌های کلامی است؛ ایران خواهان گام‌های عینی برای خنثی‌سازی فشارهای اقتصادی، تسهیل تجارت در شرایط شبه جنگی و سرمایه‌گذاری گسترده در حوزه‌هایی است که تاب‌آوری ملی را در برابر ضربات ناگهانی افزایش دهد.

علاوه بر این، مثلث ایران، چین و روسیه اکنون به عنوان یک قطب قدرت در برابر توسعه طلبی‌های ناتو و یک‌جانبه‌گرایی خشن آمریکا شکل گرفته است. این اتحاد راهبردی، بازدارندگی امنیتی ایران را از یک موضوع منطقه‌ای به یک متغیر جهانی تبدیل کرده است. وقتی وزیر امور خارجه ایران پس از رایزنی با مسکو به پکن می‌رود، پیامی روشن به جهان مخابره می‌کند: هرگونه ماجراجویی مجدد علیه تهران، با واکنش هماهنگ قدرت‌هایی مواجه خواهد شد که نظم کنونی جهان را به نفع یک جهان چندقطبی به چالش کشیده‌اند. چین با استفاده از حق وتو در شورای امنیت و قدرت چانه‌زنی بالای خود، می‌تواند مانع از صدور قطعنامه‌هایی شود که بهانه گسترش جنگ را به متجاوزان می‌دهد. این چتر حمایتی سیاسی، مکمل همان قدرت نظامی است که ایران در میدان نبرد نشان داده است.

در نهایت، باید بر این نکته تاکید کرد که توسعه مناسبات با پکن، به معنای نادیده گرفتن توانمندی‌های داخلی یا جایگزینی یک وابستگی با وابستگی دیگر نیست؛ بلکه به معنای فهم صحیح از قواعد بازی در عصر پساجنگ است. در دنیایی که امنیت انرژی، امنیت سایبری و امنیت مسیرهای تجاری به هم گره خورده‌اند، بازدارندگی تنها از لوله تفنگ یا مین‌گذاری در یک تنگه حاصل نمی‌شود. بازدارندگی واقعی در گروی آن است که منافع ملی ایران چنان با منافع حیاتی قدرت‌های بزرگ گره بخورد که هزینه حمله به ایران برای هر متجاوزی، به قیمت درگیری با اقتصاد جهانی و قدرت‌های تراز اول تمام شود. سفر عراقچی به پکن و پیگیری طرح ۱۴ بندی ایران برای تثبیت آتش‌بس و امنیت منطقه‌ای، گامی بلند در این مسیر است. ایران با تکیه بر جایگاه خود در بریکس و سازمان شانگهای و با بهره‌گیری از نیاز مبرم چین به انرژی و ثبات خاورمیانه، می‌تواند از مرحله آتش‌بس کنونی به سمتی حرکت کند که نه تنها خرابی‌های جنگ را بازسازی نماید، بلکه به عنوان یک بازیگر غیرقابل حذف و قدرتمند در نظم نوین جهانی قد برافرازد. این مقاله فراخوانی است برای درک این حقیقت که کلید بازدارندگی پایدار و تاب‌آوری اقتصادی در قرن بیست و یکم، در آمیزش هوشمندانه «اقتدار میدانی در هرمز» با «دیپلماسی راهبردی در پکن» نهفته است.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده
شرکت صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی شهرستان ملارد
(سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۷۴۵
و شناسه ملی ۱۰۱۹۵۰۰۷۱۷۴

به اطلاع کلیه صاحبان سهام شرکت صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی شهرستان ملارد (سهامی خاص) می رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت در روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۵/۲/۲۸ در ساعت ۱۰ صبح در محل سالن جلسات نظام صنفی کشاورزی واقع در شهرستان ملارد - صفادشت - محله ارسطو - جنب مرکز خدمات جهاد کشاورزی بی بی سکینه برگزار می گردد. بدینوسیله از نمایندگان قانونی صاحبان سهام دعوت به عمل می آید با در دست داشتن کارت ملی شناسایی در روز ساعت مقرر در محل مذکور حضور به هم رسانند.
دستور جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده:
۱- استماع گزارش هیات مدیره در خصوص عملکرد شرکت
۲- ارائه گزارشی از پیگیری های انجام شده در خصوص مصوبات مجامع قبلی
۳- بررسی و تصویب بودجه پیشنهادی هیات مدیره شرکت برای سال مالی منتهی به پایان آذر ۱۴۰۵
۴- ارائه گزارش هیات مدیره، بازرسین قانونی و حسابرس شرکت در خصوص عملکرد شرکت برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۹/۳۰
۵- بررسی و تصویب صورتهای مالی (ترازنامه و حساب سود و زیان) شرکت برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۹/۳۰
۶- بررسی و تصمیم گیری در خصوص نحوه تقسیم سود سالیانه شرکت
۷- بررسی و تصمیم گیری در خصوص پرداخت پاداش اعضای هیات مدیره ،مدیرعامل و کارکنان شرکت
۸- بررسی و تصمیم گیری در خصوص حق الزحمه بازرس
۹- تعیین حق حضور در جلسه هیات مدیره
۱۰- انتخاب بازرسین قانونی شرکت
۱۱- انتخاب هیات مدیره
۱۲- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی های شرکت
ضمنا گزارش بودجه پیشنهادی سال آینده و گزارش صورتهای مالی شرکت و گزارش هیات مدیره و بازرسین جهت ارائه به سهامداران محترم در دفتر صندوق آماده می باشد.

هیات مدیره صندوق ملارد

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۲/۱۶ خ ت ۱۴۰۵/۲/۱۶

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت صنایع خودران رباتیک آوا (سهامی خاص) به شماره ثبت ۸۵۶۶۶ به شناسه ملی ۱۴۰۱۲۲۷۹۱۷۳

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت صنایع خودران رباتیک آوا دعوت می گردد تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه که در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۲/۲۷ راس ساعت ۹ صبح به نشانی بزرگراه آسیایی - پارک علم و فناوری خیابان هم آفرینی ۳ مجموعه کارگاهی شهید ستاری برگزار می گردد حضور به هم رسانید.
دستور جلسه:
۱- انتخاب اعضای اصلی هیات مدیره
۲- انتخاب بازرسین اصلی و علی البدل
۳- تصویب صورتهای مالی منتهی به سال ۱۴۰۴
۴- سایر موارد پیش بینی نشده

هیات مدیره شرکت

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۲/۱۶ خ ش ۱۴۰۵/۲/۱۶

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت سازه نگاران آریا زیست (سهامی خاص) شماره ثبت ۵۰۹۴۸ مشهد

بدینوسیله از کلیه سهامداران دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۷ در ساعت ۹ صبح واقع در مشهد، سیدرضی، خیابان معلم ۳۵، خیابان دانش آموز ۳۷ (معلم ۳۵/۲۰)، پلاک ۴۲۷، طبقه ۱ حضور بهم رسانند.
دستورات جلسه:
۱- تصویب ترازنامه و صورتهای مالی منتهی به سال ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴
۳- انتخاب بازرسین شرکت
۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

هیات مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (نوبت دوم) شرکت سازه‌ریز مهاجر (سهامی خاص) شماره ثبت: ۲۳۰۴۷ شناسه ملی: ۱۰۳۸۰۳۸۵۱۳۷

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت سازه‌ریز مهاجر (سهامی خاص) دعوت می شود در مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (نوبت دوم) این شرکت که در تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۷ رأس ساعت ۱۸:۰۰ در نشانی مشهد، عبدالمطلب ۳۵، اسدالله زاده ۲، پلاک ۱۸۹ برگزار می گردد، حضور بهم رسانند.
دستور جلسه:
۱. استماع گزارش هیأت مدیره در خصوص لزوم انتخاب بازرس/بازرسان شرکت با توجه به انقضای مدت مأموریت بازرس و ضرورت انطباق وضعیت شرکت با مواد ۱۴۸، ۱۴۹ و ۱۵۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت.
۲. انتخاب بازرس اصلی و بازرس علی البدل برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۵/۱۲/۲۹.
توضیحات مهم:
نظر به اینکه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (نوبت اول) مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۷ به دلیل عدم حصول حد نصاب قانونی رسمیت نیافت و بدون اتخاذ تصمیم خاتمه یافت، این دعوت به عنوان نوبت دوم به استناد قسمت اخیر ماده ۸۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت صورت می پذیرد و مجمع در نوبت دوم با هر تعداد از سهامداران حاضر رسمیت خواهد یافت و تصمیمات با اکثریت آرا حاضرین اتخاذ می گردد.
از سهامداران محترم درخواست می شود در زمان مقرر در جلسه حضور یابند.

هیأت مدیره شرکت سازه‌ریز مهاجر (سهامی خاص)

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده
شرکت صنعتی مینو (سهامی عام)
شماره ثبت ۱۷ شناسه ملی ۱۰۴۶۰۰۰۲۱۴۰

بدین وسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت صنعتی مینو (سهامی عام) یا وکلای قانونی آن ها دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت که رأس ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۶ در محل سالن ورزشی شرکت پارس مینو واقع در تهران، کیلومتر ۱۰ جاده مخصوص کرج برگزار می گردد، حضور به هم رسانند.
دستور جلسه:
۱. تصمیم گیری در مورد افزایش سرمایه شرکت از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی های ثابت مشهود (زمین و ساختمان) و اصلاح ماده مربوطه در اساسنامه؛
۲. سایر مواردی که اخذ تصمیم در مورد آن ها در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد.
سهامداران محترم و یا نمایندگان قانونی آن ها می توانند در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۳ از ساعت ۰۸:۳۰ صبح الی ۱۳:۰۰ جهت دریافت برگه حضور به امور سهام شرکت، واقع در تهران، کیلومتر ۱۰ جاده مخصوص کرج-گروه صنعتی مینو-ساختمان مرکزی شرکت صنعتی مینو خرمدره مراجعه و با ارائه کارت شناسایی معتبر یا مستندات موید نمایندگی نسبت به اخذ کارت ورود به جلسه اقدام نمایند.
ضمناً در راستای تسهیل مشارکت حداکثری سهامداران، امکان مشاهده مستقیم جلسه مجمع عمومی فوق العاده و پرسش و پاسخ از طریق آدرس صفحه رسمی گروه صنعتی مینو در آپارات به نشانی (https://www.aparat.com/minoogroup/live)، فراهم شده است.

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۲/۱۶ هیئت مدیره شرکت صنعتی مینو (سهامی عام)

تاریخ: ۱۴۰۵/۰۲/۱۳
شماره: ۱۴۰۵/۰۲۱۲/ص

آگهی نوبت دوم مزایده

شرکت باما (سهامی عام) در نظر دارد از طریق مزایده نوبت دوم، تعداد ۵ دستگاه ماشین آلات آزمایشگاهی خود را طبق اسناد مزایده موجود در سایت شرکت به آدرس www.bamaco.ir به فروش برساند. لذا متقاضیان می توانند با در نظر گرفتن موارد مشروحه ذکر شده در اسناد مزایده، پیشنهاد قیمت خود را از تاریخ انتشار اسناد به مدت ۵ روز کاری به آدرس ذکر شده در اسناد مزایده تحویل نمایند.

شرکت باما (سهامی عام)